

مطالعات تفسیری آلا الرحمن

فصلنامه علمی-تخصصی

گروه تفسیر و علوم قرآن جامعه الزهراء

سال اول * شماره دوم * زمستان ۱۴۰۱



بررسی تطبیقی دیدگاه علامه طباطبایی رحمته الله علیه و ابن عاشور پیرامون سیاق آیهی تطهیر

سیده فاطمه معصومه جلالی^۱

چکیده

سیاق آیهی تطهیر از جمله موارد اختلاف میان علامه طباطبایی رحمته الله علیه و ابن عاشور محسوب می‌شود، در این مقاله با استفاده از منابع تفسیری و بهره‌وری از روش توصیفی-تحلیلی به این سؤال جواب داده شد که تفاوت بهره‌وری علامه طباطبایی رحمته الله علیه و ابن عاشور در استفاده از سیاق آیهی تطهیر چیست؟ از مطالب بیان شده این نتیجه به دست آمد که علامه طباطبایی رحمته الله علیه در تفسیر آیهی تطهیر، برخلاف باور ابن عاشور، سیاق برآمده از خود آیه و شواهد روایی را بر سیاق آیه با آیات قبل و بعد مقدم می‌دارد؛ از این رو آیهی تطهیر را هم سیاق با آیات قبل و بعد نمی‌داند. ضمناً از بررسی آیات قبل و بعد به دست می‌آید که آیهی تطهیر، مستقل از آیات گذشته نازل شده است، زیرا آیات قبل و بعد آن، اشاره به دستورات الهی در خطاب به همسران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دارند، و پیامبر صلی الله علیه و آله مأمور شدند که آن‌ها را به آنان ابلاغ کند؛ ضمناً از شواهد روایی می‌توان نتیجه گرفت که خداوند متعال عصمت و پاکی را فقط در حق پنج تن آل عبا علیهم السلام اراده کرده است.

واژگان کلیدی

ابن عاشور، آیهی تطهیر، سیاق، شواهد روایی، داوری میان دیدگاه‌ها، علامه طباطبایی.

مقدمه

قرینه‌ی سیاق عبارت است از چیزی که بر مجموعه‌ای از کلمات، جملات و آیات قرآن سایه می‌افکند و در تعیین معنای واژه‌ها، مفاد جملات و آیات قرآن تأثیر دارد، و بی‌توجهی به آن باعث می‌شود که معنای کلمه، جمله و آیه‌ی موردنظر به‌درستی فهمیده نشود.

از جمله آیاتی که در مورد سیاق آن، بین مفسران شیعه و اهل سنت اختلاف نظر وجود دارد، آیه‌ی ۳۳ سوره‌ی احزاب مشهور به آیه‌ی تطهیر است: ﴿وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾

آیه‌ی تطهیر، در شأن هرکسانی نازل شده باشد، گویای فضیلتی بی‌نظیر برای آنان است، به همین جهت مجادله‌های کلامی فراوانی پیرامون این آیه‌ی شریفه در برگرفته است. اگر به منابع تفسیری و حدیثی فریقین نگاه شود، دیده خواهد شد که تعداد قابل توجهی از روایات مربوط به آیه‌ی تطهیر، اختصاص به اصحاب کساء دارد. بر اساس این روایات، آیه‌ی تطهیر در اواخر زندگی پیامبر گرامی اسلام ﷺ، در خانه‌ی ام‌سلمه رضی الله عنها نازل شد. حسکانی در شواهد التنزیل بیش از صد و سی حدیث در این زمینه نقل کرده است (حسکانی، ۱۴۱۱: ۳۳/۲ - ۱۳۹).

مضمون روایات بی‌شمار مرتبط با آیه‌ی تطهیر که بسیاری از آن‌ها را اهل سنت نقل نموده‌اند (طبری، ۱۴۱۲: ۶/۱۲؛ ترمذی، ۱۴۱۹: ۵/۶۶۳؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۶/۶۰۳؛ حاکم نیشابوری، ۱۴۳۵: ۳/۱۴۷؛ حاکم حسکانی، ۱۴۱۱: ۲/۲۱، حدیث ۶۵۵) جای هیچ تردیدی باقی نمی‌گذارد که این آیه در شأن خمسه‌ی طیبه رضی الله عنهم نازل شده است، و به هیچ وجه شامل همسران پیامبر گرامی اسلام ﷺ نمی‌شود، تا چه رسد به اینکه فقط در حق آن‌ها نازل شده باشد، یکی از دلایل مهمی که مدعیان نزول این آیه در حق همسران نبی اکرم ﷺ بدان تمسک کرده‌اند، سیاق آیه است. آنان می‌گویند: آیه‌ی تطهیر در بین آیاتی از سوره‌ی احزاب قرار گرفته است که مربوط به همسران پیامبر گرامی اسلام ﷺ می‌باشد، زیرا خداوند متعال در آیات ۲۸ تا ۳۴ این سوره، آن‌ها را مورد خطاب قرار داده و دستورهای مهمی به آن‌ها داده است. همین امر باعث شده است که برخی نزول آیه‌ی تطهیر را مربوط به همسران پیامبر ﷺ بدانند یا اینکه دست‌کم آن‌ها را نیز در کنار خمسه‌ی طیبه



مصادیق اهل بیت (علیهم السلام) معرفی نمایند (ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۳۶۴/۶؛ شوکانی، ۱۴۱۴: ۳۲۱/۴).

به اعتقاد علامه طباطبایی (علیه السلام) که قاعده‌ی سیاق را از مهم‌ترین قواعد تفسیری می‌داند، این آیه با آیات قبل و بعد از خود، هم سیاق نیست، و در اواخر زندگی رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) فقط در مورد اصحاب کساء نازل شده است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۶/۳۱۱). در مقابل، ابن عاشور یکی از مفسران اهل سنت نزول این آیه را در مورد اصحاب کساء قبول ندارد و معتقد است که این آیه در مورد همسران پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) می‌باشد در نتیجه، خدای متعال، در پرتو این آیه، به عصمت آن‌ها اشاره دارد (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۲۲/۱۴). در اینجا سؤالی که به ذهن می‌رسد این است که چرا علامه طباطبایی (علیه السلام) در تفسیر آیه‌ی تطهیر، سیاق برآمده از جملات خود آیه و شواهد روایی را بر سیاق آیه با آیات قبل و بعد مقدم می‌دارد؟ و آیه‌ی تطهیر را هم سیاق با آیات قبل و بعد نمی‌داند؛ ولی ابن عاشور آیه را متناسب با سیاق قبل و بعد آیه تفسیر می‌کند؟!

در مورد پیشینه‌ی بررسی تفسیری آیه‌ی تطهیر باید گفت: افزون بر متون تفسیری فریقین، مقالات متعددی در این مورد نوشته شده است، از جمله:

۱- مقاله‌ی «بررسی تطبیقی آیه‌ی تطهیر در گفتمان کلامی امامیه و اشاعره» اثر محمد معینی فر و لیلا عبداللهی خوراسگانی، در فصلنامه‌ی علمی ترویجی معرفت، بهار ۱۴۰۰، شماره ۲۸۶.

۲- مقاله‌ی «بررسی تفسیری شمولیت زنان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در مصداق آیه‌ی تطهیر از دیدگاه مفسران فریقین» اثر هادی وحدانی فر، در فصلنامه‌ی علمی پژوهشی مطالعات تفسیری، بهار ۱۴۰۰، شماره ۴۵.

۳- مقاله‌ی «نقد و بررسی شبهه‌ی وحدت سیاق در آیه‌ی تطهیر» اثر سید محمد فریدین جلالی، در فصلنامه‌ی تفسیر پژوهی، پاییز ۱۳۹۸، شماره ۱۲.

۴- مقاله‌ی «بررسی انتقادی دیدگاه اهل سنت پیرامون مستندات روایی شمول آیه‌ی تطهیر بر همسران پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله)» اثر عباس بخشنده بالی، در فصلنامه‌ی علمی پژوهشی تحقیقات کلامی، زمستان ۱۳۹۷، شماره ۲۳، را می‌توان اشاره نمود.

اما این آیه به صورت تطبیقی بین نظر علامه طباطبایی و ابن عاشور بررسی نشده است؛ در حالی که با توجه به قاعده‌ی سیاق، بررسی تطبیقی نظر این دو مفسر در جهت تفسیر آیه‌ی تطهیر می‌تواند در روشن شدن دلالت آیه‌ی تطهیر بر عصمت خمسه‌ی طیبه (علیهم‌السلام) و عدم شمول آن نسبت به همسران پیامبر گرامی اسلام (علیهم‌السلام) نقشی بسیار مهم و تعیین‌کننده داشته باشد؛ از این رو لازم است تحقیق تطبیقی در این زمینه انجام پذیرد. روش تحقیق به کار گرفته شده در این پژوهش به روش عقلی و نقلی، و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای است که به توصیف و تحلیل مطالب مرتبط با موضوع پرداخته است.

الف) مفهوم شناسی

در ابتدای بحث لازم است مفهوم و معنای لغوی و اصطلاحی واژه‌ی کلیدی «سیاق» تبیین شود:



۱. معنای لغوی «سیاق»

«سیاق» مصدر فعل ساق، یسوق است. اصل آن سواق بوده (که به دلیل کسره‌ی «سین»)، حرف «واو» به «یا» تبدیل شده است) و در کتب لغت در معانی مختلفی از جمله: رشته‌ی پیوسته، راندن، تابع، اسلوب و روش، امور مخفی، کنایه از شدت داشتن و مهریه‌ی زن، بکار برده می‌شود (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۰/۱۶۶؛ طریحی، ۱۳۷۵: ۵/۱۸۷).

۲. معنای اصطلاحی «سیاق»

در اصطلاح دو معنا برای سیاق ذکر شده است: یک: سیاق تنها دلالت مقالیه است که به آن سیاق لغوی هم می‌گویند (بابی، ۱۳۸۱: ۱۲۰). در این صورت سیاق عبارت خواهد بود از: اسلوب سخن، طرز جمله‌بندی عبارات، و نظم خاص کلام و یا روند کلی سخن. دو: سیاق دلالت مقالیه و حالیه است که عبارت است از: هرگونه دلیلی که به الفاظ و عبارات پیوند خورده باشد، چه لفظی، چه حالی (صدر، ۱۳۹۲: ۱/۱۳۰).

۳. انواع سیاق

در قرینه‌ی لفظی بودن سیاق نزاع هست؛ برخی از نویسندگان سیاق را از قراین پیوسته لفظی دانسته‌اند (رجبی، ۱۳۹۴: ۲۹). و برخی آن را از قراین پیوسته غیر لفظی تلقی کرده‌اند (نجازادگان، ۱۳۸۴: ۹۱۱-۹۱۵).

عالمان بلاغت برای سیاق انواعی را ذکر کرده‌اند:

یک: سیاق کلمات: ذکر کلمه‌های پیوسته در ضمن یک جمله، پدیدآورنده سیاق کلمات است.

دو: سیاق جمله‌ها: در پی هم آمدن جمله‌هایی که راجع به یک موضوع در یک مجلس بیان می‌شود، سیاق جمله‌ها را به وجود می‌آورد.

سه: سیاق آیات: در خصوص قرآن کریم گاهی از پی هم آمدن آیات، سیاق آیات به دست می‌آید.

چهار: سیاق سوره‌ها: از به دنبال هم آمدن سوره‌ها، سیاق سوره‌ها به دست می‌آید (رجبی، ۱۳۹۴: ۱۲۵).

ب) معرفی مفسران

در ادامه‌ی بحث لازم است با هر دو مفسر آشنایی صورت گیرد:

۱. کیستی ابن عاشور

شیخ محمد طاهر بن عاشور (۱۲۹۶-۱۳۹۳ق) در تونس به دنیا آمد و در همان جا دانش آموخت و در سال ۱۸۹۹ میلادی فارغ‌التحصیل و در سال ۱۹۳۱ میلادی به شیخ الاسلام مالکیان تونس برگزیده شد. ابن عاشور در لغت، نحو، ادبیات، علوم و معارف نوین عصر، تاریخ و دیگر علوم اسلامی و قرآنی دست داشت و در تفسیر قرآن مفسری مبرز بود. کتاب تفسیری او یعنی «التحریر والتنویر» از مشهورترین و کامل‌ترین تفاسیر مغرب اسلامی در قرن چهاردهم هجری و اثری تحلیلی، ادبی و اجتماعی است. تفسیر ابن عاشور با مقدمه‌ای مفصل و با ذکر مبانی‌ای آغاز شده است که مؤلف سعی کرده است در سراسر تفسیر خود به آن‌ها پایبند باشد. این تفسیر در بیان معانی دقیق مفردات قرآن کریم بسیار کارآمد است و باید

آن را از ویژگی‌های اساسی این تفسیر برشمرد. نبیل احمد صقر (نویسنده‌ی کتاب منهج الامام) ابتدا به شرح حال ابن‌عاشور پرداخته و نیز انگیزه‌ی تألیف تفسیر «التحریر» را از زبان خود وی بیان می‌کند. همچنین از برخی مصادر متنوع و فراوانی که ابن‌عاشور در تفسیر خود از آن‌ها بهره برده است، نام می‌برد. «التحریر و التئور» از منابع مهم تفسیری است که بین تفاسیر روایی جمع آورده است (نرم‌افزار مشکات الانوار، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی).

۲. کیستی علامه طباطبایی

سید محمدحسین طباطبایی معروف به علامه طباطبایی مفسر بزرگ و مشهور دوران معاصر است. شرح حال خود نوشت ایشان چنین است: در سال ۱۲۸۱ شمسی در تبریز در میان یک خانواده عالم متولد شدم. سال ۱۲۹۷ وارد علوم دینی و عربی شدم و به سال ۱۳۰۴ برای تکمیل تحصیلات خود عازم حوزه‌ی علمی نجف گردیدم و به مجلس درس مرحوم آیت‌الله شیخ محمدحسین اصفهانی رحمته‌الله، مرحوم آیت‌الله نائینی رحمته‌الله، مرحوم آیت‌الله آقای سیدابوالحسن اصفهانی رحمته‌الله رفتم. در سال ۱۳۲۵ زادگاه اصلی را ترک گفتم و متوجه حوزه‌ی قم گردیده، بساط زندگی را در این شهر گستردم و دوباره اشتغالات علمی را از سر گرفتم. علامه طباطبایی این زندگی‌نامه را در سال ۱۳۴۱ نوشت و حدود بیست سال بعد، در قید حیات بود. در آبان ۱۳۶۰ مطابق محرم الحرام ۱۴۰۲ به لقاءالله پیوست و در مسجد بالای سر حرم حضرت معصومه علیها‌السلام به خاک سپرده شد.

المیزان فی تفسیر القرآن که بیشتر به تفسیر المیزان شهرت دارد، از جامع‌ترین و مفصل‌ترین تفاسیر شیعی قرآن به زبان عربی است که در قرن چهاردهم هجری به قلم مرحوم علامه سید محمدحسین طباطبایی (۱۲۸۱-۱۳۶۰ ش) نگاشته شده است. المیزان از تفسیرهای ترتیبی است و روش تفسیری آن، تفسیر قرآن به قرآن، یعنی تفسیر آیات به کمک دیگر آیات، است. انصاف علمی و دقت و عمق این تفسیر باعث شده است که این تفسیر مورد توجه عالمان شیعه و سنی قرار گیرد و به یکی از معتبرترین منابع فهم و تحقیق قرآن تبدیل شود. در ظرف مدت کوتاهی ده‌ها کتاب و صدها مقاله و پایان‌نامه در مورد آن نوشته شده است.

یک: تفسیر اجمالی آیه‌ی تطهیر

﴿وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾؛ و در خانه‌های خود بمانید و همچون جاهلیت نخستین (در میان مردم) ظاهر نشوید، و نماز را بر پا دارید و زکات را ادا کنید، و خدا و رسولش را اطاعت نمایید، خداوند فقط می‌خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل‌بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد ﴿(احزاب: ۳۳).

(قرن) از ماده‌ی (وقار) به معنی سنگینی است و کنایه از قرارگرفتن در خانه‌ها است، بعضی نیز احتمال داده‌اند که از ماده‌ی «قرار» بوده باشد که از نظر نتیجه، تفاوت چندانی با معنی اول نخواهد داشت (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۷/ ۲۹۰).

(تبرج) به معنی آشکار شدن در برابر مردم است، و از ماده‌ی «برج» گرفته‌شده که در برابر دیدگان همه ظاهر است.

اما اینکه منظور از جاهلیت اولی چیست؟ ظاهراً همان جاهلیتی است که مقارن عصر پیامبر ﷺ بوده، و به‌طوری‌که در متون تاریخی آمده در آن موقع زنان حجاب درستی نداشتند، و دنباله‌ی روسری‌های خود را به پشت سر می‌انداختند به‌طوری‌که گلو و قسمتی از سینه و گردن‌بند و گوشواره‌های آن‌ها نمایان بود، و به‌این ترتیب قرآن همسران پیامبر ﷺ را از این‌گونه اعمال باز می‌دارد.

بدون شک این یک حکم عام است، و تکیه آیات بر زنان پیامبر ﷺ به‌عنوان تأکید بیشتر است، درست مثل اینکه به شخص دانشمندی بگوییم تو که دانشمندی دروغ مگو، مفهومش این نیست که دروغ گفتن برای دیگران مجاز است، بلکه منظور این است که یک مرد عالم باید به‌صورت مؤکدتر و جدی‌تری از این کار پرهیز کند.

به‌رحال این تعبیر نشان می‌دهد که جاهلیت دیگری همچون جاهلیت عرب در پیش است که ما امروز در عصر خود، آثار این پیشگویی قرآن در دنیای متمدن مادی را می‌بینیم، ولی مفسران پیشین نظر به‌اینکه چنین امری را پیش‌بینی نمی‌کردند، برای تفسیر این کلمه به‌زحمت افتاده بودند لذا «جاهلیت اولی» را به فاصله‌ی میان آدم و نوح، و یا فاصله‌ی میان

عصر داود و سلیمان که زنان با پیراهن‌های بدن‌نما بیرون می‌آمدند، تفسیر کرده‌اند، تا جاهلیت قبل از اسلام را «جاهلیت ثانیه» بدانند! ولی چنان‌که گفتیم نیازی به این سخنان نیست، بلکه ظاهر این است «جاهلیت اولی» همان جاهلیت قبل از اسلام است که در جای دیگر قرآن نیز به آن اشاره شده است. (آل‌عمران: ۱۴۳؛ مانده: ۵۰؛ فتح: ۲۶) و «جاهلیت ثانیه» جاهلیتی است که بعداً پیدا خواهد شد (همچون عصر ما).

در ادامه به این صورت بیان می‌فرماید: «شما زنان پیامبر ﷺ نماز را برپا دارید، زکات را ادا کنید، و خدا و رسولش را اطاعت نمایید ﴿وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ﴾ اگر در میان عبادات روی نماز و زکات، تکیه می‌کند به خاطر آن است که نماز مهم‌ترین راه ارتباط و پیوند با خالق است، و زکات هم در عین اینکه عبادت بزرگی است، پیوند محکمی با خلق خدا محسوب می‌شود. و اما جمله ﴿أَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ﴾ یک حکم کلی است که تمام برنامه‌های الهی را فرامی‌گیرد. این دستورات سه‌گانه نیز نشان می‌دهد که احکام فوق مخصوص زنان پیامبر ﷺ نیست، بلکه برای همگان است هرچند در مورد آنان تأکید بیشتری دارد.

در پایان آیه می‌افزاید: «خداوند فقط می‌خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت ﷺ دور کند و کاملاً شما را پاک سازد» ﴿إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً﴾.

تعبیر به «انما» که معمولاً برای حصر است (شیرازی، ۱۳۷۵: ۸۷/۲). دلیل بر این است که این موهبت ویژه خاندان پیامبر ﷺ می‌باشد، جمله‌ی «یرید» اشاره به اراده‌ی تکوینی پروردگار است، وگرنه اراده‌ی تشریحی، و به تعبیر دیگر لزوم پاک نگاه‌داشتن خویش، انحصاری به خاندان پیامبر ﷺ ندارد، و همه‌ی مردم بدون استثنا به حکم شرع موظف‌اند از هرگونه گناه و پلیدی پاک باشند.

ممکن است گفته شود اراده‌ی تکوینی موجب یک نوع جبر است، ولی به‌طور خلاصه می‌توان گفت: معصومان دارای یک نوع شایستگی اکتسابی از طریق اعمال خویش‌اند، و یک

نوع لیاقت ذاتی و موهبتی از سوی پروردگار، تا بتوانند الگو و اسوه‌ی مردم بوده باشند. به تعبیر دیگر معصومان به خاطر تأییدات الهی و اعمال پاک خویش، چنان هستند که در عین داشتن قدرت و اختیار برای گناه کردن به سراغ گناه نمی‌روند، درست همان‌گونه که هیچ فرد عاقلی حاضر نیست، قطعه‌ی آتشی را بردارد و به دهان خویش بگذارد باینکه نه اجباری در این کار است و نه اکراهی، این حالتی است که از درون وجود خود انسان بر اثر آگاهی‌ها و مبادی فطری و طبیعی می‌جوشد، بی‌آنکه جبر و اجباری در کار باشد.

واژه‌ی «رجس» به معنی شیء ناپاک است، خواه ناپاک از نظر طبع آدمی باشد یا به حکم عقل یا شرع و یا همه‌ی این‌ها و اینکه: در کلمات بعضی، «رجس» به معنی «گناه» یا «شرک» یا «بخل و حسد» و یا «اعتقاد باطل» و مانند آن تفسیر شده، در حقیقت بیان مصداق‌هایی از آن است، گرچه مفهوم این کلمه، مفهومی عام و فراگیر است، و همه‌ی انواع پلیدی‌ها را به حکم اینکه الف و لام در اینجا به اصطلاح «الف و لام جنس» است شامل می‌شود.

«تظهير» به معنی پاک ساختن و در حقیقت تأکیدی است بر مسئله‌ی «اذهاب رجس» و نفی پلیدی‌ها، و ذکر آن به صورت «مفعول مطلق» در اینجا نیز تأکید دیگری بر این معنی محسوب می‌شود.

و اما تعبیر «اهل البیت» به اتفاق همه‌ی علمای شیعه و جمع چشمگیری از دانشوران اهل سنت اشاره به اهل بیت پیامبر ﷺ است، و این چیزی است که از ظاهر خود آیه نیز فهمیده می‌شود، چراکه «بیت» گرچه به صورت مطلق در اینجا ذکر شد، اما به قرینه‌ی آیات قبل و بعد، منظور از آن، بیت و خانه پیامبر ﷺ است. اما اینکه مقصود از «اهل بیت پیامبر ﷺ» در اینجا چه اشخاصی می‌باشد؟ در میان مفسران گفتگو است، بعضی آن را مخصوص همسران پیامبر ﷺ دانسته‌اند، و آیات قبل و بعد را که درباره‌ی ازواج رسول خدا ﷺ سخن می‌گوید، قرینه این معنی شمرده‌اند.

بعضی دیگر از مفسران از این مرحله گام فراتر نهاده و آیه را شامل همه‌ی خاندان پیامبر ﷺ اعم از مردان و همسران آن حضرت دانسته‌اند. از سوی دیگر روایات بسیار زیادی که در منابع

اهل سنت و شیعه وارد شده معنی دوم یعنی شمول همه‌ی خاندان پیامبر ﷺ را نفی می‌کند و می‌گوید: مخاطب در آیه‌ی مورد بحث منحصرأً پنج نفرند: پیامبر، علی و فاطمه و حسن و حسین ﷺ (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۷/۲۹۴ - ۲۹۰).

دو: دیدگاه علامه طباطبایی رحمته الله علیه نسبت به سیاق آیه‌ی تطهیر

علامه طباطبایی رحمته الله علیه با اینکه برای سیاق آیات، اهمیت زیادی قائل هستند؛ اما باتوجه به شواهدی، دست از سیاق برآمده از آیات قبلی آیه‌ی تطهیر برداشته، و می‌گوید: جای هیچ شک و تردید نیست که این آیه در بین آیات قبل و بعد از خود اجنبی و سیاق آن با سیاق آن‌ها دو تا است، و آیه‌ای می‌باشد که مستقل از ماقبل و مابعد خود فرود آمده است؛ چراکه آیات قبل و بعد از این آیه در مورد همسران پیامبرگرمی اسلام رحمته الله علیه است؛ اما دقت در جملات آیه‌ی تطهیر، نزول این آیه را در مورد همسران پیامبر رحمته الله علیه رد می‌کند: «يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» کلمه‌ی (انما) در آیه‌ی انحصار خواست خدا را می‌رساند، و می‌فهماند که خدا خواسته که رجس و پلیدی را تنها از اهل بیت دور کند، و به آنان عصمت دهد، و کلمه‌ی «اهل البیت» چه اینکه صرفاً برای اختصاص باشد، تا غیر از اهل خانه داخل در حکم نشوند، و چه اینکه این کلمه نوعی مدح باشد، و چه اینکه نداء، و به معنای (ای اهل بیت) بوده باشد، در هر حال دلالت دارد بر اینکه دورکردن رجس و پلیدی از آنان، و تطهیرشان، مسئله‌ای است مختص به آنان، و کسانی که مخاطب در کلمه‌ی «عنکم» (از شما) هستند، بنابراین در آیه‌ی شریفه در حقیقت دو قصر و انحصار بکار رفته، یکی انحصار اراده و خواست خدا در بردن و دورکردن پلیدی و تطهیر اهل بیت، دوم انحصار این عصمت و دوری از پلیدی در اهل بیت و مراد از اهل بیت به طور مسلم فقط زنان آن جناب (اهل بیت) او نیستند، برای اینکه هیچ‌گاه صحیح نیست ضمیر مردان را به زنان ارجاع داد، و به زنان گفت «عنکم» (از شما) بلکه اگر فقط همسران اهل بیت بودند، باید می‌فرمود: «عَنْكُنَّ»، بنابراین، با این بیانی که گذشت آن روایاتی که در شأن نزول آیه وارد شده تأیید می‌شود، که آیه‌ی شریفه در شأن رسول خدا رحمته الله علیه و علی و فاطمه و حسن و حسین رحمته الله علیه نازل شده است، و احدی در این

فضیلت با آنان شرکت ندارد، و این سخن، مضمون روایات بسیار زیاد، و بیش از هفتاد حدیث است که بیشتر آن‌ها از طرق اهل سنت است، و شیعیان آن‌ها را از بیش از سی طریق نقل کرده‌اند، پس آیه‌ی مورد بحث به تنهایی، و در یک واقعه جداگانه نازل شده، و حتی در بین این هفتاد روایت، یک روایت هم وجود ندارد، که بگوید آیه‌ی شریفه دنبال آیات مربوط به همسران رسول خدا ﷺ نازل شده، و حتی احدی هم از مفسرین این حرف را نزده است. پس آیه‌ی مورد بحث از جهت نزول، جزو آیات مربوط به همسران رسول خدا ﷺ و متصل به آن‌ها نیست، حال یا این است که به دستور رسول خدا ﷺ دنبال آن آیات قرارش داده‌اند، و یا بعد از رحلت رسول خدا ﷺ اصحاب در هنگام تألیف آیات قرآنی در آنجا نوشته‌اند، مؤید این احتمال این است که اگر آیه‌ی مورد بحث که در حال حاضر جزو آیه‌ی ﴿وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ﴾ است، از آن حذف شود، و فرض کنیم که اصلاً جزو آن نیست، آیه‌ی مزبور با آیه‌ی بعدش که می‌فرماید: ﴿وَأَذْكُرَنَّ﴾ کمال اتصال و انسجام را دارد، و اتصالش به هم نمی‌خورد، پس معلوم می‌شود جمله‌ی مورد بحث نسبت به آیه‌ی قبل و بعدش نظیر آیه‌ی اکمال دین است که در وسط آیاتی قرار گرفته که آنچه خوردنش حرام است می‌شمارد، بنابر آنچه گفته شد، کلمه‌ی ﴿أَهْلُ الْبَيْتِ﴾ در عرف قرآن اسم خاص است که هر جا ذکر شود، منظور از آن، خمسه‌ی طیبه هستند، و بر هیچ کس دیگر اطلاق نمی‌شود، هر چند که از خویشاوندان آن جناب باشد، البته این معنا، معنایی است که قرآن کریم لفظ مذکور را بدان اختصاص داده، و گرنه به حسب عرف عام، کلمه‌ی مزبور بر خویشاوندان نیز اطلاق می‌شود (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۶/۴۶۸-۴۶۱).

سه: دیدگاه ابن عاشور نسبت به سیاق آیه‌ی تطهیر

به اعتقاد ابن عاشور آیه‌ی تطهیر با آیات قبل و بعد خود هم سیاق می‌باشد، و اتصال بین آن‌ها برقرار است. وی مخاطبان ضمائر آیه را نیز همسران پیامبر گرامی اسلام ﷺ می‌داند، و علت مذکر آورده شدن ضمائر «عَنْكُمْ» و «يَطَهَّرْكُمْ» را استفاده از قاعده تغلیب بر می‌شمرد، ابن عاشور، اطلاق لفظ «اهل البیت» در آیه را، شمول آن نسبت به همسران پیامبر اکرم ﷺ را جاری می‌داند و می‌گوید: از این آیه، اصحاب رسول خدا ﷺ و تابعان تنها این را فهمیده‌اند که

مقصود آیه، همسران رسول خدا ﷺ هستند. ایشان در ادامه بر اعتقاد مذهب شیعه به اختصاص مضمون اهل بیت ﷺ به خمسه‌ی طیبه اشکال وارد می‌کند و برداشت چنین مفاد قصری از آیه را صحیح نمی‌شمارد، و معتقد است همان‌گونه که تعبیر «إِنَّ هَؤُلَاءِ صِيفِي» مذکور در آیه‌ی ۶۸ سوره‌ی حجر نمی‌رساند که غیر از آن افراد مدنظر، مهمان دیگری وجود نداشته باشد؛ بدین جهت، در آیه‌ی مورد بحث نیز، همسران پیامبر گرامی اسلام ﷺ از مصادیق اهل بیت ﷺ محسوب می‌شوند (ابن‌عاشور: ۱۴۲۰: ۱۷/۲۲ - ۱۴).

ج) داوری میان دیدگاه‌ها

یکی از اصول کلی تفسیر این است که پیش از بررسی روایات و سیاق بیرونی آیات (ارتباط آیه با آیات قبل و بعد)، باید سیاق درونی آیات (سیاق کلمات و جملات) مورد شناسایی و تحلیل واقع شود، چون ارزش و تأثیر سیاق بیرونی پس از تأمل در سیاق درونی است (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۲۳/۲۶۹)؛ بدین جهت می‌گوییم: در بحث سیاق آیات دو نوع سیاق مطرح است:

۱. سیاق درونی آیه

توجه به دو نکته‌ی اساسی پیش‌روی، سیاق درونی آیه‌ی مورد بحث را آشکار می‌سازد:

یک: وجود ضمایر مذکر در آیه‌ی تطهیر

اگر آیه‌ی مورد بحث مخصوص همسران پیامبر ﷺ بوده است، باید ضمایر «عَنْكُمْ» و «يَطَهَّرْكُمْ» مذکور در فراز پایانی آیه، همانند ضمایر متعدد سابق الذکر در صدر آیه‌ی «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ» مؤنث باشند، در حالی که مذکر آورده شده است و از قاعده تغلیب در اینجا استفاده نشده است، زیرا تغلیب در صورتی جایز است که خصوصیت احراز نگردد (رضوانی، ۱۳۸۵: ۱/۳۷۳). در حالی که می‌دانیم روایات، آیه‌ی تطهیر را به پنج تن ﷺ اختصاص داده است؛ افزون بر این سخن اینکه: از آنجاکه آیات قرآن (حجرات: ۱۱؛ تحریم: ۱-۵) و روایات (ابن‌جوزی، ۱۴۲۲: ۴/۳۱۱؛ بلخی، ۱۴۲۴: ۳/۳۷۹؛ ثعالبی، ۱۴۱۸: ۹/۳۵۱) صراحت در عتاب و سرزنش و تهدید همسران پیامبر ﷺ دارند، این با عصمت مستفاد از آیه‌ی تطهیر، سازگاری ندارد.

دو: مورد نزاع بودن اطلاق لفظ «اهل البیت» بر همسران

اتلاق لفظ «اهل البیت» بر همسران، مورد نزاع است؛ زیرا برخی معتقدند که کلمه‌ی «اهل» بر همسر اطلاق نمی‌شود. زبیدی می‌گوید: اطلاق کلمه‌ی اهل بر همسر اطلاق مجازی است (زبیدی، ۱۴۱۴: ۲۱۷/۷).

استعمال مجازی، به معنای استعمال لفظ در غیر معنای موضوع^۱ است؛ که به سبب وجود قرینه و مناسبت بین معنای موضوع^۲ و معنای غیر موضوع^۳ صورت می‌پذیرد، مانند: استعمال لفظ «اسد» در «انسان شجاع» به قرینه و مناسبتِ شباهت او با «شیر درنده» در «شجاعت» بنابراین، استعمال لفظ در معنای غیر موضوع^۴ افزون بر مناسبت، به قرینه احتیاج دارد (فرهنگ‌نامه اصول فقه، ۱۳۸۹: ۱/۱۸۸)؛ و در اطلاق «اهل البیت» بر همسران، چنین مناسبتی وجود ندارد؛ زیرا «اهل» مأخوذ از «آل» است و «آل» در لغت به معنای «رَجَع» آمده و «آل شخص» بر کسانی اطلاق می‌شود که حقیقتاً به آن شخص رجوع دارند و این تنها شامل اقوام نسبی می‌شود نه سببی (همسران) (رضوانی، ۱۳۸۵: ۱/۳۷۳).

نسبت به واژه‌ی «بیت» نیز چند احتمال وجود دارد، یکی اینکه منظور از این کلمه، «سُکنی» (باشنده) باشد، دوم اینکه احتمال دارد، مقصود از آن، «نَسَب» باشد که در این صورت «اهل بیت» به معنای دودمان خواهد بود (کاردارن، ۱۳۸۵: ۲۲۴).

آنچه موافق با سیاق آیه‌ی تطهیر است، همین است که مقصود از «بیت» در آیه‌ی تطهیر، همان خاندان است و به اتفاق تمامی علمای اسلام، مقصود از خاندان، خاندان رسول گرامی اسلام ﷺ است (طبرسی، ۱۴۱۳: ۸/۵۵۹).

سیوطی از پیامبر ﷺ نقل می‌کند که خطاب به فاطمه علیها السلام فرمود: «اولین کسی که از اهل من ملحق می‌شود، تو هستی، ای فاطمه! و اولین کسی که از همسرانم به من ملحق می‌گردد، زینب است» (سیوطی، ۱۴۰۱: ۱/۱۶۸، ح ۲۸۳۲).

در اینجا پیامبر ﷺ بین اهل و همسران فاصله و جدایی انداخته است؛ پس معلوم می‌شود که همسران داخل در اهل نیستند. از همین رو می‌بینیم که برخی از همسران پیامبر از قبیل؛ ام‌سلمه، عایشه و زینب از پیامبر ﷺ سؤال می‌کنند که آیا ما جزء اهل بیت علیهم السلام هستیم یا خیر؟

این سؤال خود دلیل بر این است که از حیث وضع لغوی، همسر داخل در لفظ «اهل بیت» یا «اهل» نیست، و آنان می‌خواستند حکماً خود را داخل در اهل بیت کنند (ابن حنبل، ۱۴۱۶: ۲۶۵۹۷، ح ۲۱۷/۴۴).

مسلم در صحیح خود، در «باب فضایل علی (ع)» نقل می‌کند: از زید بن ارقم درباره‌ی اهل بیت سؤال شد که آیا شامل همسران نیز می‌شود؟ او پاسخ داد: قسم به خدا! هرگز؛ زیرا ممکن است، شوهر پس از مدتی زندگی با همسرش او را طلاق دهد و او به قوم و پدرش مراجعت کند. (قشیری نیشابوری، ۱۴۱۲: ۱۸۷۳/۴).

در برخی از روایات، پیامبر (ص) به صراحت همسرانش را از اهل بیت خارج نموده است که بعضی از آنان در کتب اهل سنت موجود است (ترمذی، ۱۴۱۹: ۳۵۱/۵؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۱۹۸/۵؛ حاکم نیشابوری، ۱۴۳۵: ۴۱۶/۲؛ ابن حنبل، ۱۴۱۶: ۲۹۲/۶).

سه: مقصود از واژه‌ی «بیت» در تعبیر ترکیبی «اهل بیت»

ممکن است گفته شود: مراد از «بیت» در آیه، مساکن همسران پیامبر (ص) است، پس مقصود از اهل بیت یا خصوص همسران است و یا همسران را نیز شامل می‌گردد، در پاسخ می‌گوییم:

اولاً: مقصود از واژه‌ی «بیت»، ممکن است بیت نبوت باشد به قرینه‌ی قول خداوند متعال: ﴿فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ؛ در خانه‌هایی که خداوند رخصت داده که [قدر و منزلت] آن‌ها رفعت یابد و نامش در آن‌ها یاد شود﴾ (ترمذی، ۱۴۱۹: ۳۵۱/۵؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۱۹۸؛ حاکم نیشابوری، ۱۴۳۵: ۴۱۶/۲؛ ابن حنبل، ۱۴۱۶: ۲۹۲/۶).

ابن مردویه از انس بن مالک و بریده نقل می‌کند: بعد از آن که رسول خدا (ص) آیه‌ی فوق را قرائت نمود، شخصی عرض کرد: ای رسول خدا! این بیوت کدام‌اند؟ پیامبر (ص) فرمود: بیوت انبیاست. و معلوم است که هرکسی صلاحیت ندارد اهل بیت نبوت باشد (سیوطی، ۱۴۰۴: ۲۰۳/۶؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۷۴/۱۸).

ثانیاً: کلمه‌ی اهل بیت (ص) در آیه‌ی تطهیر به صورت مفرد با «الف و لام» آمده است و اگر مراد از آن، بیت سکونت بود، باید به صورت جمع می‌آمد؛ همان‌گونه که در صدر آیه به صورت جمع آمده است: ﴿وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ﴾ پس مقصود بیوت همسران نیست (رضوانی، ۱۳۸۵: ۳۷۳/۱).

با توجه به دو نکته‌ی بیان‌شده به‌روشنی می‌توان فهمید که در این آیه، خداوند متعال، عصمت پنج‌تن علیهم‌السلام را اراده کرده است.

۲. سیاق بیرونی آیه

سیر آیات سوره‌ی احزاب و فضای حاکم بر آن نشان می‌دهد که از دلایل سیاق بیرونی آیه می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

یک: تقدم نص بر ظاهر

نهایت دلالت سیاق بر یک مطلب فقط در حد ظهور است؛ و این ظهور هرگز نمی‌تواند با نصوص صحیحه و متواتر در حق پنج‌تن از اهل بیت علیهم‌السلام معارضه کند، در اصول فقه به اثبات رسیده که هرگاه بین نص و ظاهر اختلاف شد، نص بر ظاهر مقدم است (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹: ۴۳۸).

دو: اثبات عدم اتصال آیه‌ی تطهیر به فرازهای ماقبل و مابعد خود

آیه‌ی تطهیر به ماقبل خود متصل نیست، گاهی در کلام بلیغ، جمله‌ای معترضه واقع می‌شود که از جمله قبل و بعد از آن بیگانه است. آیه‌ی تطهیر نیز از این قبیل است که به جهاتی در بین آیات مربوط به همسران پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم واقع شده است، همان‌گونه خداوند متعال در سوره‌ی یوسف می‌فرماید: ﴿إِنَّهُ مِنْ كَيْدِكِنَّ إِنَّ كَيْدَكِنَّ عَظِيمٌ، يَوْسُفُ أَعْرَضَ عَنْ هَذَا وَاسْتَغْفِرِي لِذُنُوبِكِ إِنَّكِ كُنْتِ مِنَ الْخَاطِئِينَ؛ همانا مکر زنان بسیار بزرگ است. ای یوسف! از این پیشامد روی بگردان و تو (ای زن) برای گناه خود آمرزش بخواه﴾ (یوسف: ۲۸ و ۲۹). در این آیات، فراز ﴿يَوْسُفُ أَعْرَضَ عَنْ هَذَا﴾ بین دو فراز ﴿وَاسْتَغْفِرِي لِذُنُوبِكِ﴾ و ﴿إِنَّ كَيْدَكِنَّ عَظِيمٌ﴾ فاصله شده است، در حالی که ربطی به ماقبل و مابعد ندارد.

د) شواهد روایی دال بر نزول آیه‌ی تطهیر در حق پنج‌تن آل عبا علیهم‌السلام

اهل بیت علیهم‌السلام در آیه‌ی تطهیر عبارت‌اند از: پیامبر اکرم، امام علی، حسنین و حضرت فاطمه زهرا علیهم‌السلام، دلیل ما برای این ادعا ده‌ها روایتی است که حتی در منابع حدیثی اهل سنت نیز، به طُرُق صحیح از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل شده است که در اینجا به چند روایت نبوی اشاره

می‌گردد:

۱. روایت اول

مسلم در صحیحش از عایشه روایت می‌کند: «خرج النبی ﷺ غرأة و علیه مرط مرحل من شعر اسود فجاء الحسن بن علی فادخله ثم جاء الحسين فدخل معه ثم جاءت فاطمة فادخلها ثم جاء علی فادخله ثم قال انما يريد الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیراً؛ عایشه می‌گوید: در صبحگاهی رسول الله ﷺ در حالی که بر دوش او عبایی مشک‌ی بود، خارج شد. سپس حسن آمد، پس او را داخل آورد؛ سپس حسین آمد و با او داخل شد؛ سپس فاطمه آمد، او را داخل آورد؛ سپس علی آمد، او را داخل آورد؛ آنگاه گفت: خداوند می‌خواهد آلودگی را از شما خاندان [پیامبر] بزاید و شما را پاک و پاکیزه گرداند» (قشیری نیشابوری، ۱۴۱۲: ۱۸۸۳/۴). بر اساس این روایت امام حسن و امام حسین و حضرت فاطمه و امام علی ﷺ بر پیامبر اکرم ﷺ وارد می‌شوند. آن‌ها را به خود راه می‌دهد و آیه‌ی تطهیر را درباره آن‌ها تلاوت می‌کند.

۲. روایت دوم

احمد بن حنبل از ام سلمه نقل می‌کند: «انَّ النبی ﷺ جَلَّ علی علی و حسن و حسین و فاطمه کساء ثم قال اللهم هولاء اهل بیتی و خاصی اللهم اذهب عنهم الرجس و طهرهم تطهیراً، فقالت ام سلمة یا رسول الله انا منهم قال انک الی خیر؛ هنگامی که آیه: ﴿انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیراً﴾ نازل شد، پیامبر اکرم ﷺ، علی، فاطمه، حسن و حسین را فراخواند و آن‌ها را با عبای خیری پوشاند و فرمود: بار خدایا! اینان اهل بیت من هستند. خدایا پلیدی را از ایشان دور کن، و کاملاً پاکشان گردان. ام سلمه گفت: آیا من از آن‌ها نیستم؟ پیامبر ﷺ فرمود: تو به سوی خیر و نیکی، روانی» (ابن حنبل، ۱۴۱۶: ۲۱۷/۴۴، ح ۲۶۵۹۷). بر اساس این روایت نیز پیامبر اکرم ﷺ در حضور ام سلمه جامه‌ای را بر حضرت علی و حضرت فاطمه و امام حسن و امام حسین ﷺ قرار می‌دهد، و با گفتن جمله‌ی «هؤلاء اهل بیتی و خاصی» و دعایی که کلمات آن از آیه‌ی تطهیر اقتباس شده، به ام سلمه مراد از «اهل البیت» در آیه‌ی تطهیر را تفهیم می‌کند.



۳. روایت سوم

حاکم نیشابوری روایت می‌کند: «عن ام سلمة قالت فی بیتی نزلت ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً﴾ قالت فارسل رسول الله الى علي وفاطمة والحسن والحسين فقال هولاء اهل بيتي؛ از ام سلمه روایت شده که گفت: در خانه من آیهی تطهیر نازل شد، سپس پیامبر خدا، امام علی، فاطمه، حسن و حسین را احضار نمود، و سپس فرمود: اینان اهل بیت من هستند» (نیشابوری، ۱۴۳۵: ۱۵۸/۳).

بر اساس این روایت که حاکم صحت آن را تأیید می‌کند، بعد از نزول آیهی تطهیر در خانه‌ی ام سلمه، پیامبر برای این‌که اهل بیت را به ام سلمه معرفی کند، حضرت علی و حضرت فاطمه و امام حسن و امام حسین علیهم‌السلام را احضار می‌کند، و بعد در حضور ام سلمه با جمله‌ی «هولاء اهل بیتی» آن‌ها را به‌عنوان اهل بیت خود معرفی می‌کند.

۴. روایت چهارم

حاکم از انس بن مالک روایت می‌کند: «ان رسول الله كان يمر بباب فاطمة رضی‌الله‌عنها ستة اشهر اذا خرج لصلاة الفجر يقول الصلاة يا اهل البيت ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً﴾؛ پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم شش ماه هرگاه برای نماز صبح بیرون می‌آمد، به در خانه فاطمه می‌رفت و می‌فرمود: نماز را دریابید ای اهل بیت ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً﴾» (نیشابوری، ۱۴۳۵: ۱۷۲/۳، ح ۴۷۴۸).

حاکم، صحت روایت را تأیید می‌کند و نشانگر آن است که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بارها مصداق اهل بیت را برای مردم روشن کرده‌اند و به‌طور کلی از احادیث نقل شده، کاملاً روشن گردید، پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مراد از اهل بیت را در آیهی تطهیر بیان کرده است و مطابق آیهی ﴿وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ﴾ (نحل: ۴۴) به وظیفه‌ی خود عمل نموده است.

نتیجه‌گیری

از مطالب بیان شده به دست می‌آید که ابن‌عاشور سیاق درونی آیهی تطهیر را بر سیاق بیرونی آن و شواهد روایی دال بر نزول آیه در حق خمسه‌ی طیبه، مقدم می‌دارد؛ از این رو معتقد

است؛ چون آیه‌ی تطهیر در سیاق آیات مربوط به همسران پیامبر گرامی اسلام ﷺ نازل شده است، لذا خداوند می‌خواهد عصمت آن‌ها را ثابت نماید. اما علامه طباطبایی سیاق بیرونی آیه و شواهد روایی دالّ بر نزول آیه در حقّ خمسه‌ی طیبه را مقدم بر سیاق درونی آیه می‌دارد، و ادله‌ی بررسی شده در سیاق بیرونی آیه را نیز تحلیل می‌نماید، و معتقد است بنابر سیاق بیرونی آیه، خداوند متعال می‌خواست که عصمت خمسه‌ی طیبه ﷺ را ثابت نماید، و باوجود قرآنی همچون: الفاظ مذکر در آیه‌ی تطهیر، وجود اخبار متواتر در شأن نزول آیه‌ی تطهیر بر پنج تن ﷺ، مقدم بودن نص بر ظاهر در متون عربی، عدم اطلاق واژه‌ی اهل بر همسر، عدم کارایی استفاده از قاعده‌ی تغلیب در این آیه، اصل عصمت را به پنج تن ﷺ مختص می‌داند. پس به اعتقاد علامه طباطبایی آیه‌ی تطهیر بی‌ارتباط با آیات قبل و بعد می‌باشد و به‌صورت جداگانه نازل شده است.



کتابنامه

۱. قرآن، (۱۳۸۸)، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، ج ۲، انتشارات اسوه، قم.
۲. ابن جوزی، جلال‌الدین ابوالفرج عبدالرحمن بن علی، (۱۴۲۲)، *زاد المسیر فی علم التفسیر*، دار الکتب العربی، بیروت.
۳. ابن حنبل، احمد، (۱۴۱۶)، *مسند أحمد بن حنبل*، دارصادر، بیروت.
۴. ابن عاشور، محمدطاهر، (۱۴۲۰)، *التحریر والتنویر*، مؤسسه التاریخ العربی، بیروت.
۵. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل، (۱۴۱۹)، *تفسیر القرآن العظیم*، دارالکتب العلمیه، بیروت.
۶. ابن منظور، محمدبن مکرم، (۱۴۱۴)، *لسان العرب*، ج ۳، دارالفکر للطباعة والنشر والتوزیع، بیروت.
۷. آخوند خراسانی، محمدکاظم، (۱۴۰۹)، *کفایة الاصول*، مؤسسه آل‌البت (عج)، قم.
۸. آلوسی، محمود، (۱۴۱۵)، *روح المعانی*، دارالکتب العلمیه، بیروت.
۹. بابایی، علی‌اکبر و دیگران، (۱۳۸۱)، *مکاتب تفسیری*، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، قم.
۱۰. بلخی، ابوالحسن مقاتل بن سلیمان بن بشیر، (۱۴۲۴)، *تفسیر مقاتل بن سلیمان*، دارالکتب العلمیه، لبنان.
۱۱. ترمذی، محمدبن عیسی، (۱۴۱۹)، *سنن الترمذی*، دارالحديث، قاهره.
۱۲. ثعالبی، عبدالرحمن بن محمدبن مخلوف، (۱۴۱۸)، *الجواهر الحسان فی تفسیر القرآن*، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت.
۱۳. جمعی از محققان، (۱۳۸۹)، *فرهنگ‌نامه اصول فقه*، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم.
۱۴. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۹۱)، *تسنیم تفسیر قرآن کریم*، اسراء، قم.
۱۵. حاکم حسکانی، عبیدالله بن احمد، (۱۴۱۱)، *شواهد التنزیل لقواعد التفضیل*، وزارت ارشاد اسلامی، تهران.
۱۶. حاکم نیشابوری، محمدبن عبدالله، (۱۴۳۵)، *مستدرک علی الصحیحین*، دارالتأسیل، بیروت.
۱۷. رجبی، محمود و دیگران، (۱۳۹۴)، *روش‌شناسی تفسیر قرآن*، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، قم.
۱۸. رضوانی، علی‌اصغر، (۱۳۸۵)، *امام‌شناسی در قرآن و پاسخ به شبهات*، مسجد مقدس جمکران، قم.
۱۹. زبیدی، مرتضی، (۱۴۱۴)، *تاج العروس فی شرح القاموس*، دارالفکر للطباعة والنشر، بیروت.
۲۰. سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن، (۱۴۰۱)، *الجامع الصغیر*، دارالفکر للطباعة والنشر، بیروت.
۲۱. _____، (۱۴۰۴)، *الدر المنثور*، کتابخانه آیت‌الله مرعشی، قم.
۲۲. شیرازی، احمد امین، (۱۳۷۵)، *آیین بلاغت*، انتشارات اسلامی، تهران.
۲۳. صدر، سیدمحمدباقر، (۱۳۹۲)، *دروس فی علم الاصول*، نشر اسلامی، قم.
۲۴. طباطبایی، سیدمحمدحسین، (۱۳۹۰)، *ترجمه المیزان فی تفسیر القرآن*، سیدمحمدباقر موسوی، مؤسسه

الأعلمی للمطبوعات، بیروت.

۲۴. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۴۱۳)، **مجمع البیان**، موسسه انتشارات اسلامی، قم.

۲۵. طریحی، فخرالدین محمد، (۱۳۷۵)، **مجمع البحرین**، مرتضویه، تهران.

۲۶. قشیری نیشابوری، مسلم بن حجاج، (۱۴۱۲)، **صحیح مسلم**، دارالحدیث، قاهره.

۲۷. کاردان، رضا، (۱۳۸۵)، **امامت و عصمت امامان در قرآن**، موسسه فرهنگی مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام،

تهران.

۲۸. مکارم شیرازی، ناصر با همکاری جمعی از نویسندگان، (۱۳۷۱)، **تفسیر نمونه**، دارالکتب الاسلامیه، تهران.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

